



https://domesticj.ut.ac.ir/article_105856.html

مصاحبه

"هیچ دیواری به بلندای همدلی و هیچ سلاحی به قدرتمندی فناوری نیست" مصاحبه با دکتر محمدحسین مرادی؛ دانشیار ژنتیک و اصلاح نژاد دام گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران (و دانشگاه اراک) و رئیس انجمن علوم دامی ایران

علی اکبری بالاجورشری^۱ و فرزاد غفوری^{۲*}

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی تغذیه دام، گروه مهندسی علوم دامی، دانشکدگان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، البرز، ایران
^۲ دانشجوی دکتری تخصصی ژنتیک و اصلاح نژاد دام و طیور، گروه مهندسی علوم دامی، دانشکدگان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، البرز، ایران

در این شماره از نشریه علمی - ترویجی (حرفه‌ای) دامستیک، به پای گفت‌وگو با دکتر محمدحسین مرادی می‌نشینیم؛ دانشیار ژنتیک و اصلاح نژاد دام گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران (و دانشگاه اراک) و رئیس انجمن علوم دامی ایران. چهره‌ای شناخته شده در عرصه علم و پژوهش که کارنامه‌ای پُر بار از فعالیت‌های آموزشی، تحقیقاتی و اجرایی در حوزه اصلاح نژاد دام و ژنومیکس در اختیار دارند.

دکتر محمدحسین مرادی متولد اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ در شهرستان خمین (استان مرکزی) هستند و مسیر تحصیلی خود را از مقطع کارشناسی تا دکتری تخصصی در دانشگاه‌های گرگان، کردستان و تهران با رتبه‌های برتر به پایان رسانده‌اند. بخش مهمی از شکل‌گیری نگاه حرفه‌ای ایشان، ریشه در تجربه‌های دوران کودکی و نوجوانی در فضای روستا و کشاورزی دارد؛ تجربه‌ای که به باور ایشان، مفاهیمی چون سخت‌کوشی، مسئولیت‌پذیری و پیوند واقعی علم با مزرعه را در ذهنشان نهادینه کرده است. ویژگی برجسته مسیر علمی دکتر مرادی، حضور همزمان در مرز دانش روز دنیا و توجه عمیق به مسائل بومی کشور است. اجرای پژوهش‌های پیشرو در حوزه ژنومیکس با همکاری مراکز معتبر بین‌المللی، در کنار دغدغه‌مندی نسبت به امنیت غذایی، ذخایر ژنتیکی دام‌های بومی و کاهش وابستگی کشور به واردات، از ایشان چهره‌ای مسئله محور و آینده‌نگر ساخته است. دکتر مرادی آینده رشته مهندسی علوم دامی، به ویژه گرایش ژنتیک و اصلاح نژاد دام را سرنوشت‌ساز می‌دانند و معتقد هستند که ترکیب دانش دانشگاهی، مهارت عملی و فناوری‌های نوین یکی از بهترین مسیرها جهت پاسخ‌گویی به چالش‌های پیش‌روی تولید پروتئین، تغییرات اقلیمی و محدودیت منابع است. ایشان با تأکید بر نقش دانشجویان به عنوان معماران خودکفایی آینده، بر این باور هستند که سال‌های دانشجویی فرصتی طلایی برای یادگیری عمیق، مهارت‌آموزی و ورود آگاهانه به عرصه حل مسائل واقعی در صنعت دامپروری است. در این گفت‌وگوی صمیمی، ایشان از مسیر زندگی علمی، نگاهشان به آینده ژنتیک و اصلاح نژاد دام، مسئولیت اجتماعی دانشگاه، نقش انجمن‌های علمی و ضرورت همدلی و بهره‌گیری از فناوری سخن می‌گویند؛ گفت‌وگویی که می‌تواند برای دانشجویان، پژوهشگران و فعالان صنعت دام و طیور الهام‌بخش و راهگشا باشد.

در ادامه با این استاد فرهیخته به صحبت می‌نشینیم:

*نویسنده مسئول: farzad.ghafouri@ut.ac.ir

بخش: ژنتیک و اصلاح نژاد دام دبیر تخصصی: دکتر آرش جوانمرد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

رفرنس‌دهی: اکبری بالاجورشری، ع، غفوری، ف. "هیچ دیواری به بلندای همدلی و هیچ سلاحی به قدرتمندی فناوری نیست"، مصاحبه با دکتر محمدحسین مرادی؛ دانشیار ژنتیک و اصلاح نژاد دام گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران (و دانشگاه اراک) و رئیس انجمن علوم دامی ایران. علمی - ترویجی (حرفه‌ای) دامستیک، ۱۴۰۴؛ ۲۵(۲): ۶۴-۵۵.



AnimSSAUT

از دوران تحصیلی خود در مدرسه و مقاطع مختلف دانشگاهی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی) بفرمایید.

من در یکی از روستاهای توابع شهرستان خمین به نام محمدیه (خان‌آباد) به دنیا آمده‌ام و در همان دوره ابتدایی به شهرستان مهاجرت کردیم و تا دوره دبیرستان را در شهرستان خمین گذراندم. به مانند بسیاری از دانش‌آموزان دوره دهه شصت، که احتمالاً تجربه‌ای مشابه با بنده دارند در آن دوران فلسفه پرورش فرزندان بر این اصل بنا بود که فرزند باید سختی ببیند تا قدر عافیت بداند[©]. به همین خاطر تابستان‌ها معمولاً برای انجام کارهای کشاورزی و دامداری به روستا می‌رفتم و با شروع دوره تحصیلی، دوباره به شهرستان برمی‌گشتم. اگر چه در آن سن و سال، گاهی درک این شرایط برایم سخت بود ولی به نظر می‌رسید سپری کردن این دوران بی‌تأثیر نیز نبود. در کنار کسب درس سخت‌کوشی و مسئولیت‌پذیری، در دوران ابتدایی تا دبیرستان همیشه جزء شاگردان علاقه‌مند بودم و در بیشتر مواقع شاگرد اول یا جزء سه نفر اول کلاس بودم.

بعد از پایان دوره دبیرستان، سفری را از زادگاه خود شروع کردم که همچنان ادامه دارد. ابتدا در سال ۱۳۷۹ در مقطع کارشناسی در دانشگاه گرگان (استان گلستان) پذیرفته شدم. در سال ۱۳۸۳ در ترم ۷ و با کسب رتبه اول از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شدم. در همین سال در رشته مهندسی علوم دامی، گرایش ژنتیک و اصلاح‌نژاد دام دانشگاه کردستان پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۶، این دوره را نیز به عنوان رتبه اول و با کسب پایان‌نامه برتر دانشجویی به پایان رساندم. سپس، در همین رشته در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. رساله دکتری تخصصی را در قالب یک طرح پژوهشی مشترک با مؤسسه ژنومیکس و تولیدمثل مرکز AgResearch نیوزلند با همکاری پروژه HapMap در این کشور اجرا کردم. در آن زمان (سال ۲۰۰۹) اجرای تحقیقات در حوزه ژنومیک در حیوانات به تازگی شروع شده بود و این فرصت مطالعاتی به واقع نیز برای بنده فرصتی برای ورود به این حوزه تحقیقاتی بود که برکات زیادی برای بنده به همراه داشت. در سال ۱۳۹۱ از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شدم و از همان سال به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه اراک مشغول به فعالیت شدم. در دانشگاه اراک با همکاران فرهیخته و دانشجویان عزیزی روبرو شدم که همواره همگی آن‌ها را به نیکی و احترام به خاطر می‌آورم. اکنون نیز یک سالی است که افتخار حضور در مجموعه گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران را دارم.

با سلام و عرض وقت بخیر؛ متولد چه سالی هستید و در کدام شهر به دنیا آمده‌اید؟

با سلام حضور شما و همه مخاطبین عزیز مجله وزین دامستیک، من متولد اردیبهشت ماه ۱۳۶۲، در شهر خمین (استان مرکزی) هستم.



تصویر ۱- دکتر محمد حسین مرادی - دانشیار ژنتیک و اصلاح‌نژاد دام گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران (و دانشگاه اراک) و رئیس انجمن علوم دامی ایران

Mohammad Hossein Moradi
Associate professor of Animal Genetics, Arak University
Verified email at araku.ac.ir - h.moradi@araku.ac.ir
Animal Genetics Animal Genomics Genomic Selection and Ev.

[GET MY OWN PROFILE](#)

Cited by [VIEW ALL](#)

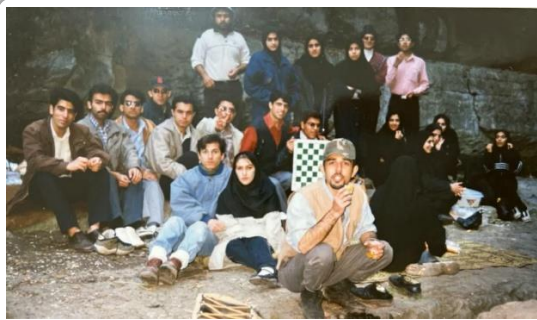
| | All | Since 2021 |
|-----------|------|------------|
| Citations | 1694 | 1248 |
| h-index | 21 | 17 |
| i10-index | 36 | 33 |

Public access [VIEW ALL](#)

0 articles [2 articles](#)

not available [available](#)

تصویر ۲- پروفایل دکتر محمدحسین مرادی در موتور جستجوی وب Google Scholar



تصویر ۴- اردوهای دانشجویی دوره کارشناسی، استان گلستان



تصویر ۳- همراه با دانشجویان و اعضای هیئت علمی گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه اراک

در چه مقطعی از زندگیتان از دواج کرده‌اید؟ آیا فرزندان شما هم در همین رشته مشغول هستند؟

بنده پس از اتمام تحصیلات در زمانی که فعالیت خود را در دانشگاه اراک آغاز نمودم، ازدواج کردم. در حال حاضر یک پسر ۶ ساله دارم. در مورد آینده شغلی پسر من هم در حال حاضر عمیقاً اعتقاد دارم موفقیت و خوشبختی در گرو پیروی از علاقه و استعداد ذاتی است. اگر روزی به رشته مهندسی علوم دامی علاقمند شود، چه چیزی می‌تواند از این بهتر باشد؟ اما اگر مسیر قلبش او را به سمت هنر، پزشکی و یا هر رشته دیگری بکشاند، تنها حامی بی‌قید و شرط او خواهم بود.

آیا پیشینه کار خانواده همچون شغل پدر در انتخاب شما (رشته مهندسی علوم دامی) تأثیر گذار بوده است؟

بله و خیر. بله، از این جهت که با این رشته ناآشنا نبودم و خود را از خانواده کشاورزان عزیز می‌دانم. از این جهت که از نوجوانی سختی‌ها و چالش‌های طاقت‌فرسای این مسیر و عزیزان فعال در این حیطه را می‌دیدم. همین آشنایی، این فکر را در ذهن من قوت می‌بخشید که شاید انتخاب مسیری کاملاً متفاوت، تصمیم منطقی‌تری باشد.

آیا شما با علاقه و شناخت وارد رشته مهندسی علوم دامی شده‌اید؟ چرا ژنتیک و اصلاح نژاد دام و طیور؟

راستش را بخواهید، انتخاب رشته مهندسی علوم دامی برای من در زمان کنکور کمی تصادفی بود. با این که رتبه خوبی آورده بودم و همیشه به ژنتیک علاقه داشتم، در ابتدا مطمئن نبودم که این رشته، همان مسیر مورد علاقه من باشد. در شروع نیز با تردید زیادی برای ادامه تحصیل روبرو بودم. اما پس از آگاهی از این که در مقاطع تحصیلی بالاتر رشته مهندسی علوم دامی گرایش ژنتیک و اصلاح نژاد وجود دارد، گویی چراغی در مسیرم روشن شد. پس از ورود به این رشته و گذراندن واحدهای

در دوران تحصیل خود در مدرسه چه ویژگی‌هایی داشتید؟ بعد از ورود به دانشگاه چه تغییری کردید؟

اگر بخواهم صادقانه بگویم، در دوران مدرسه یک دانش‌آموز معمولی، ولی علاقه‌مند و هدمند بودم. به خصوص به درس‌های ریاضی و زیست‌شناسی علاقه زیادی داشتم. در آن زمان یکی از آرمان‌های بسیاری از خانواده‌ها و افراد از درس خواندن فرزندان خود، وارد شدن به دانشگاه بود و با توجه به پیک جمعیتی، صرف قبول شدن در کنکور یکی از چالش‌ها، و در عین حال دستاوردهای بزرگ برای دانش‌آموزان محسوب می‌شد. دانشگاه برای من مثل یک پنجره تازه بود. دانشگاه بستری متفاوت برای آشنایی با محیطی جدید هم از نظر علمی و هم از نظر اجتماعی بود. با دوستانی آشنا شدم که همچنان بعد از سال‌ها دوستی‌های ما همچنان ادامه دارد. استادانی که نقش قابل توجهی در ادامه زندگی تحصیلی من داشتند و شرایطی فراهم شد که انجام فعالیت‌های گروهی در قالب انجمن‌های علمی- دانشجویی و شوراهای دانشجویی مختلف را برایم امکان‌پذیر می‌کرد. دانشگاه به من نشان داد که علم، فقط در صفحات کتاب محبوس نیست. گفت‌وگو با اساتید و دوستان، و زندگی در شهری جدید و حضور در خوابگاه‌های مختلف دانشجویی درس‌های مهم‌تری درباره ارتباطات، مدیریت زمان و روبرویی در برابر چالش‌های مختلف به من آموخت. حضور در انجمن‌های علمی- دانشجویی به من آموخت که یک پروژه گروهی موفق و یا برگزاری یک همایش، بسیار ارزشمندتر از یک نمره عالی در یک درس به تنهایی است. اینجا بود که آن علاقه اولیه به درس، کم‌کم به یک اشتیاق برای تحقیق و جست‌وجو تبدیل شد و در نهایت مرا به سمت تحصیل در مقطع دکتری تخصصی کشاند. البته امروز هم بعد از سال‌ها، خودم را یک دانشجو می‌دانم، دیروز از اساتیدم یاد می‌گرفتم و امروز از دانشجویان و همکارانم.

اصلاح‌نژادی هدفمند و بلندمدت، وابستگی را به خوداتکایی تبدیل کنند.

البته ممکن است این سوال پیش بیاید که آیا با وجود برخی کاستی‌ها که امروزه در کشور وجود دارد، این انتخاب منطقی است؟ من معتقد هستم که نیاز حال و آینده کشور، خودش بهترین مشوق و تضمین‌کننده است. رشته‌هایی مانند ژنتیک و اصلاح‌نژاد، ذاتاً کارآفرین و محصول‌آفرین هستند. هر دانشجوی متخصصی که در این حوزه تربیت می‌شود، می‌تواند با یک ایده نو، یک پژوهش کاربردی یا مدیریت یک طرح ملی، نه تنها برای خودش، بلکه برای ده‌ها نفر دیگر نیز اشتغال ایجاد کند و چه بسا منشأ اثری ماندگارتر در کشور باشد. البته به خوبی آگاهم که تحقق این آرمان، در گرو سه رکن اساسی است: آموزش صحیح، مهارت‌آموزی عملی و فراهم شدن میدان عمل برای فارغ‌التحصیلان.

زمینه‌های شغلی گرایش ژنتیک و اصلاح‌نژاد دام و طیور را چطور می‌بینید؟

بسته به علاقه، تجربه و سطح توانمندی، فارغ‌التحصیلان این گرایش می‌توانند در آزمایشگاه‌های ژنتیک، فارم‌های پرورش دام، مراکز اصلاح‌نژادی، مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاهی مشغول شوند و یا در قالب گروه‌هایی با تأسیس شرکت‌های تخصصی مختلف فعالیت داشته باشند. البته حتماً نیاز است فارغ‌التحصیلان این گرایش علاقمند به تحصیل و دارای توانمندی‌هایی مانند توانایی کار عملی در مزارع، درک درست از برنامه‌های اصلاح‌نژادی و تسلط به نرم‌افزارهای اصلاح‌نژادی و زبان‌های برنامه‌نویسی باشند. در ضمن، باید به این نکته نیز توجه کرد که با عنایت به این که اجرای برنامه‌های اصلاح‌نژادی در کشور نیازمند برنامه و زمان می‌باشند، تغییر نگرش در سطح کلان در جهت طراحی و اجرای برنامه‌های بلند مدت به جای برنامه‌های کوتاه و مقطعی ضروری است.

از نظر شما آیا متخصصان ژنتیک و اصلاح‌نژاد دام و طیور در جایگاه واقعی خودشان در صنعت دامپروری قرار دارند؟

در این ارتباط می‌توان عنوان کرد که برای متخصصان این رشته که مقاطع تحصیلات تکمیلی را سپری کرده‌اند، یک بخش فعالیت‌های دانشگاهی و پژوهشی در مراکز دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی وجود دارد که به طور عمده دارای جایگاه اجتماعی مناسبی هستند. اما در بخش صنعت ضعف‌هایی وجود دارد. من اعتقاد دارم که این ضعف‌ها بخشی به ما استادان و سیستم

درسی مربوطه، علی‌الخصوص ژنتیک، طرح آزمایشات، و اصلاح‌نژاد و تحت تأثیر تدریس استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر حسنی در دانشگاه گرگان، این علاقه هر روز برای من بیشتر شد. به خاطر دارم که در هنگام انتخاب رشته کارشناسی‌ارشد نیز تنها تمام کد رشته‌های مربوط به ژنتیک و اصلاح‌نژاد در دانشگاه‌های مختلف را انتخاب کردم.



آیا با توجه به شرایط فعلی، تحصیل در گرایش ژنتیک و اصلاح‌نژاد را به دانشجویان پیشنهاد می‌دهید؟

پاسخ من به این سوال یک بله، همراه با امید به آینده است. جهان امروز بر پایه فناوری‌های کلیدی می‌چرخد و در این میان، ژنتیک و اصلاح‌نژاد، ابزاری قدرتمند در بسیاری از کشورهای پیشرو دنیا، برای طراحی آینده محسوب می‌شود. آینده، بدون نیاز به اصلاح‌نژاد دام‌ها و افزایش تولیدات قابل تصور نیست. براساس گزارش‌های FAO، بیش از ۵۰ درصد از افزایش تولیدات دامی جهان در دهه‌های اخیر، مرهون پیشرفت‌های ژنتیکی و بهبود ژنتیکی نژادهای دام (نه صرفاً افزایش تعداد دام) بوده است. کشور ما از ذخایر ژنتیکی دام‌های بومی منحصر به فرد و بسیار غنی برخوردار است، اما آمارهای رسمی نشان می‌دهد که برای تأمین نیازهای اساسی، وابستگی زیادی به واردات داریم. هر ساله میلیاردها دلار صرف واردات در حوزه‌های مختلف مرتبط با دام، از دام زنده با پتانسیل ژنتیکی بالا گرفته تا اسپرم، جنین، نهاده و سایر موارد دیگر می‌شود. این وابستگی نه تنها یک چالش اقتصادی است، بلکه امنیت غذایی کشور را در بلند مدت نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. دانشجویان امروز و فارغ‌التحصیلان فردا، معماران اصلی خودکفایی آینده هستند. آینده این صنعت در گرو دانش، ایده و تلاش کسانی است که امروز پا به این عرصه می‌گذارند تا با اجرای برنامه‌های

بتوانند برنامه‌های اصلاح‌نژاد ملی و بومی را طراحی و اجرا کنند. آینده‌گرایی ژنتیک و اصلاح‌نژاد، آینده‌ای است که در آن دانش جایگزین حدس، داده‌ها جایگزین سنت، و پیش‌بینی‌پذیری جایگزین عدم قطعیت می‌شود.



تصویر ۶- آزمایشگاه بیوتکنولوژی گروه مهندسی علوم دامی دانشگاه تهران، سال ۱۳۹۰

چه پیامی برای فعالان و محققان حوزه ژنتیک و اصلاح‌نژاد دام و طیور دارید؟

به همکاران و هم‌مسیران عزیزم می‌گویم: بیایید حلقه‌های ارتباطان را با مزرعه و صنعت محکم‌تر کنیم؛ چرا که بزرگ‌ترین ایده‌ها از دل همین نیازهای واقعی زاده می‌شوند. موفقیت ما نه در مقالاتمان، بلکه در تأثیری است که بر زندگی دامدار و سفره مردم می‌گذاریم.

از نظر شما بهترین و مهمترین دستاورد شما برای جامعه علمی چیست؟

از نظر من، بهترین دستاوردی که می‌توانم به آن افتخار کنم، همان دانشجویانی هستند که در طول این سال‌ها توانسته‌ام در مسیر علم و پژوهش همراهی‌شان کنم. برای یک استاد، دانشجو تنها یک پژوهشگر نیست، سرمایه اصلی و ماندگارترین اثر اوست. در کنار این موهبت، در مقطع دکتری تخصصی توفیق این را داشتم که درست در همان آغاز راه گسترش دانش ژنومیکس، یکی از نخستین پژوهش‌ها در زمینه شناسایی نشانه‌های انتخاب در گوسفند را با استفاده از تراشه‌های SNP انجام دهم. آنچه این کار را برایم ارزشمندتر کرد، این بود که این تحقیق، زمینه‌ساز اجرای پایان‌نامه‌های متعددی برای دانشجویان پس از من شد. برای هر دوی این فرصت‌ها، شاکر درگاه خداوند هستم.

آموزشی کشور برمی‌گردد. براساس تجربه شخصی می‌بینم که ما اساتید این بخش، در آموزش علم روز دنیا و مفاهیم تئوری در حوزه ژنتیک و اصلاح‌نژاد قوی عمل کرده‌ایم و یکی از نشانه‌های آن این است که فارغ‌التحصیلان ما در سایر کشورهای دیگر نیز جزء افراد موفق و نامی رشته هستند. اما نتوانسته‌ایم پژوهش‌هایی مسئله محور و یا منابع محور براساس شرایط روز کشور طراحی کنیم و دانشجویانی پرورش دهیم که بتوانند برای مشکلات کشور راه‌برد اصلاح‌نژادی بدهند. لذا احساس می‌کنم نیاز است در محیط‌های دانشگاهی و با حضور بخش‌های اجرایی کشور این موضوع مورد کنکاش قرار گیرد و دانشجویان خود را در کنار علم روز، به فعالیت‌های عملی در جهت رفع نیازهای صنعت دامپروری کشور نیز سوق دهیم. نسبت به این موضوع خوش‌بین هستم و در حد توان خود در کلاس‌ها به این سمت حرکت می‌کنم.

نظر شما در مورد آینده‌گرایی ژنتیک و اصلاح‌نژاد دام و طیور چیست؟

تجربه جهانی نشان می‌دهد که دیگر نمی‌توان فقط با روش‌های سنتی، پاسخگوی نیاز جمعیت رو به رشد جهان بود. آینده در اختیار فناوری‌هایی است که دقت، سرعت و بهره‌وری را به حداکثر برسانند. در حوزه ژنتیک و اصلاح‌نژاد با توسعه فناوری توالی‌یابی نسل جدید و شاخه‌های مختلف آمیکس، علم دیگر در حدس و گمان نیست؛ بلکه می‌تواند با صحت بالا مشخص کند کدام حیوان، برترین ژن‌ها را برای تولید بیشتر، مقاومت در برابر بیماری و یا کیفیت بهتر گوشت دارا است. توسعه فناوری‌هایی مانند نانوپور، ویرایش ژنوم، کریسپر، یادگیری عمیق و هوش مصنوعی در آینده نزدیک برنامه‌های اصلاح‌نژادی را به شدت تحت تأثیر قرار خواهند داد. تصور کنید که بتوانیم با صحت بسیار بالا، ژن‌های مسئول بیماری‌ها را غیرفعال و یا صفات مطلوب را تقویت کنیم. این آینده بسیار نزدیک این رشته است. جهان با سه چالش بزرگ مواجه است: تأمین پروتئین برای ۱۰ میلیارد نفر، تغییرات اقلیمی شدید در بسیاری از نقاط جهان و محدودیت منابع. ما در کشور عزیزمان با چالش‌های بسیار ابتدایی‌تری همچون نبود رکورد فنوتیپی قابل اعتماد نیز روبرو هستیم. انتخاب و سنتز نژادهایی که بتوانند با شرایط آینده همخوانی داشته باشند، نیاز امروز و فردای کشور ماست. وابستگی کنونی به واردات نهاده‌ها، اسپرم و جنین یک تهدید استراتژیک است. تنها راه خروج از این وابستگی، تربیت نسل جدیدی از متخصصان ژنتیک است که

چه کسی را به عنوان الگو در زندگی خودتان می‌دانید؟

اگر بخواهم صادقانه پاسخ دهم، تقریباً تمامی اساتید برای بنده هر کدام به نوعی الگو بوده‌اند. نام بردن از همه آنان ممکن نیست، چرا که هر یک در برهه‌ای خاص، با یک نکته آموزشی، یک توصیه اخلاقی و یا حتی یک سکوت پرمعنا، درس‌های بزرگی به من آموختند و من همواره خود را مدیون محبت‌های بی‌شائبه آنان می‌دانم.

اما به نمایندگی از همه آن عزیزان، اجازه می‌خواهم از استادان راهنمایم نام ببرم. در دوره کارشناسی، جناب آقای دکتر حسنی بودند که اولین بار علاقه به ژنتیک و اصلاح‌نژاد را در دل من ایجاد کردند. در دوره کارشناسی ارشد، از استادان عزیزم آقایان دکتر رشیدی و دکتر رستم‌زاده درس تواضع، اخلاق و چگونگی تدریس را آموختم. و در نهایت، در دوره دکتری تخصصی، اساتید بزرگواری چون دکتر نجاتی جوارمی، دکتر مرادی شهر بابک و دکتر جان مک‌ایوان بودند که به جرأت می‌توانم بگویم که بخش بزرگی از آنچه امروز هستم، بازتابی از محبت و دانشی است که این بزرگان بی‌منت به من هدیه داده‌اند.

بدترین و بهترین خاطرات دوران کاری و تحصیلی که بخواهید از آنها یاد کنید، کدام‌اند؟

بهترین خاطرات برمی‌گردد به دوره دانشجویی و زندگی در خوابگاه‌های دانشجویی. زیباترین بخش این داستان اینجا است که بسیاری از آن دوستان، امروز همکاران عزیز و پرافتخار من هستند و برخی دیگر، اگرچه در شهرها و فعالیت‌های دیگری مشغول هستند، اما پس از سال‌ها، آن رشته محبت و دوستی هنوز پابرجاست و به داشتن آن‌ها دلگرم هستم. بدترین خاطره من در این دوران نیز به فوت پدرم برمی‌گردد که مدت کوتاهی بعد از فارغ‌التحصیلی من اتفاق افتاد. اما یک تصویر، برای همیشه در ذهن من حک شده است: چشمان پراشکش در جلسه دفاع از رساله دکتری تخصصی من. در آن روز، وقتی برای قدردانی از زحماتش صحبت می‌کردم، اشک‌هایش جاری شد. او در آن لحظه، تمام سختی‌ها و حمایت‌هایش را در قالب آن قطرات اشک ریخت و خاطره نبودنش برای من هر روز زنده است.

اولین کسانی که بعد از شنیدن نام "استاد" به ذهنتان می‌آید، چه کسانی هستند؟

آقایان دکتر امیر رشیدی، دکتر محمد مرادی شهر بابک، دکتر اردشیر نجاتی جوارمی، دکتر سیدرضا میرائی آشتیانی،



تصویر ۷- جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان گروه مهندسی علوم دامی، دانشگاه اراک

بزرگترین موفقیت‌ها و شکست‌های شما در زندگیتان چه بوده است و دلیل آنها را چه می‌دانید؟

اگر بخواهم از موفقیت‌ها و شکست‌ها بگویم، باید بگویم زندگی من بیشتر شبیه به یک کلاس درس بوده تا یک لیست از پیروزی‌ها و ناکامی‌های مشخص. شاید یکی از شیرین‌ترین موفقیت‌های تحصیلی من، پذیرش در مقطع دکتری تخصصی دانشگاه تهران بود. این را به خاطر شرایط خاص آن زمان می‌گویم. من در دانشگاه کردستان تحصیل می‌کردم و در آن سال‌ها، تنها دانشگاه تهران در این رشته دانشجوی دکتری تخصصی می‌پذیرفت و کنکور آن نیز به صورت مستقل برگزار می‌شد. در آن زمان پذیرش در این دانشگاه با توجه به این که متقاضیان در شرایط نابرابری برای دسترسی به جزوات و اساتید این دانشگاه قرار می‌گرفتند، دشوار بود. به همین خاطر برای من که علاقمند به ژنتیک بودم، قبولی در آن مقطع زمانی شیرین بود. پس از آن نیز در تمام این سال‌ها همواره در ارزشیابی‌های دانشجویی بهترین یا جزء چند استاد برتر از دیدگاه دانشجویان بوده‌ام که این برایم بسیار شیرین و ارزشمند بوده است.

در زندگی شخصی نیز، تولد پسرم ماهان بی‌تردید یکی از آن لحظه‌هایی است که شادی زیادی را برایم به ارمغان آورد. راستش را بخواهید، شکست به آن معنا که نتوانم از جا بلند شوم، به خاطر ندارم. البته گاهی برخوردهای قهری و مایوسانه برخی مدیران و همکاران خاطرات بدی در ذهن من ایجاد کرده است. امروز که به آن وقایع فکر می‌کنم هنوز تلخ، اما تجربه و درس گرانبهایی برایم بودند. این درس را در کلامی از امام علی (ع) خلاصه کرده‌ام و آن را راهنمای زندگی خود قرار داده‌ام: برای دیگران آن را دوست بدار که برای خود دوست می‌داری، و برای آنان بد بدان آنچه را برای خود بد می‌دانی.

استخراج کنیم و پژوهش را مسئله محور کنیم. ۲- کرونا ثابت کرد که فناوری می‌تواند محدودیت‌ها را در هم بشکند. باید از کشاورزی و دامپروری هوشمند به عنوان یک ضرورت، نه یک کالای لوکس و شعاری، استقبال کنیم. استفاده از سنسورها، داده کاوی و هوش مصنوعی برای مدیریت مصرف آب، پیش‌بینی بیماری‌ها و بهینه‌سازی تغذیه، دیگر یک گزینه نیست، بلکه تنها راه بقا و رقابت است. ۳- باور کنیم که دانشجویان، تنها نسل آینده نیستند؛ بلکه سازندگان فعال امروز این تحول هستند. پایان‌نامه‌ها را نه برای گذراندن یک واحد درسی، بلکه برای حل یک مشکل واقعی در روستا یا دامداری منطقه تعریف کنید. باید بین دانشگاه و صنعت پل بزنیم.

شما یک چهره شناخته شده در تخصص خود هستید؛ راز موفقیت خود را در چه چیزی می‌بینید؟

این عنوان، لطف بزرگ شماست. اگر پیشرفتی بوده است در سایه لطف خداوند، علاقه و پشتکار، پشتیبانی بی‌چشم‌داشت خانواده، و وجود دوستان صمیمی و همکاری‌های فرهیخته به دست آمده است که قدرتان همگی آن‌ها هستند.

دیدگاه شما نسبت به آینده رشته مهندسی علوم دامی در ایران چگونه است؟

آینده رشته مهندسی علوم دامی در ایران را آینده‌های روشن و سرنوشت‌ساز می‌بینم، چرا که امنیت غذایی کشور مستقیماً به آن وابسته است. با رشد جمعیت و کاهش منابع، نیاز به متخصصانی که بتوانند با حداقل منابع، حداکثر تولید را محقق کنند، هرگز کاهش نخواهد یافت. اگرچه چالش‌هایی مانند عدم تطبیق مهارت‌های آموزشی با نیازهای صنعت، و سیاست‌های ناپایدار وجود دارد، اما این رشته در ذات خود کاملاً کارآفرین و راهگشا است. رمز موفقیت در این مسیر، در ترکیب علم دانشگاهی با تجربه عملی در مزرعه و صنعت، تسلط بر زبان تخصصی و نگرش کارآفرینانه نهفته است. هر دانشجویی که این سه گانه را در خود تقویت کند، نه تنها به آینده‌ای مطمئن دست می‌یابد، بلکه خود می‌تواند سازنده آینده کشاورزی ایران باشد.

حال از شما به عنوان رئیس انجمن علوم دامی ایران می‌خواهیم چند سؤال داشته باشیم:

دکتر رسول واعظ ترشیزی و دکتر ابوالفضل زالی. قدرتان تمام این عزیزان و بسیاری دیگر، که در برهه‌های مختلف با آن‌ها بوده‌ام و درس‌های زیادی از آن‌ها آموخته‌ام، هستم.

نظر شما درباره ادامه تحصیل در خارج از کشور چیست؟ چه پیشنهادی می‌دهید؟

تحصیل در خارج از کشور، اگر با نقشه راه همراه باشد، نه تنها یک فرصت فردی، بلکه یک ضرورت برای پیشرفت علمی ایران است. برای این منظوره نیاز است یک چرخه (برقراری پل ارتباطی → بازگشت برای خدمت → خروج برای یادگیری) برقرار باشد. دانشجویان ما باید در بهترین دانشگاه‌های جهان آموزش ببینند تا بتوانند الگویی برای پژوهش‌های کاربردی و با کیفیت در ایران باشند. بازگشت، حلقه گمشده این زنجیر است. ما به این نیروهای متخصص نیاز داریم تا ایزوله شدن علمی کشور را بشکنند و پلی بین دانشگاه‌های ایران و جهان ایجاد کنند. البته این رسالت، تنها بر دوش دانشجو نیست. دولت و دانشگاه‌ها نیز باید با تأمین مالی هدفمند پژوهش و تسهیل فرآیند بازگشت و جذب متخصصان، این چرخه را تکمیل و تقویت نمایند.



تصویر ۸- عکس یادگاری همراه با تیم تحقیقاتی آزمایشگاه ژنومیکس نیوزلند، سال ۲۰۱۰

پیشنهاد شما برای بهبود وضعیت کشاورزی و دامپروری به ویژه در دوران پساکروناپی و شرایط حاضر چیست؟

درس اصلی دوران پساکرونا برای من این بود: هیچ دیواری به بلندی همدلی و هیچ سلاحی به قدرتمندی فناوری نیست. برای بهبود بخشیدن کشاورزی و دامپروری، باید از تفکر جزیره‌ای به سمت نظام یکپارچه و هوشمند حرکت کنیم. پیشنهاد من بر سه پایه استوار است: ۱- امروز شاهد هستیم که بسیاری از پژوهش‌های دانشگاهی، پاسخ به سوالاتی هستند که صنعت و مزرعه نپرسیده‌اند! باید با ایجاد اتاق‌های فکر مشترک متشکل از کشاورز پیشرو، محقق دانشگاهی، مدیر اجرایی و تاجر بخش خصوصی، مسائل را از دل زمین و دامداری

آیا انجمن علوم دامی ایران از برنامه‌های انجمن‌های علمی - دانشجویی حمایت می‌کند؟ تا به اکنون در چه مواردی انجمن از برنامه‌های دانشجویان حمایت کرده است؟ آیا در آینده این حمایت‌ها گسترده‌تر می‌شوند؟

بله ولی نه به اندازه کافی، نمونه‌هایی از همکاری‌های موفق گذشته، از جمله مشارکت در برگزاری همایش دامستیک، پیگیری ثبت روز دامدار در تقویم ملی، و برگزاری کارگاه‌های تخصصی مشترک وجود دارد. اما صادقانه بگوییم به نظر من این سطح از همکاری، نه کافی است و نه آنچنان بوده که شایسته ظرفیت‌های بی‌نظیر دانشجویان عزیز باشد. مشکل اصلی، همان فرهنگ انجام فعالیت‌های جزیره‌ای و کار در مسیرهای موازی است که همکاری ما را نیز تحت تأثیر قرار داده است. ما با وجود داشتن اهداف یکسان، اغلب منابع و انرژی خود را به صورت پراکنده هزینه می‌کنیم. پیشنهاد عملی بنده برگزاری نشست‌های مشترک (حداقل هر فصل یکبار) بین اعضای دو انجمن است تا در مجموع برای حمایت‌های ما یک برنامه مشخص تدوین شود و همکاری‌ها را از حالت مقطعی و نمادین خارج کرده و به یک همکاری پایدار و مکتوب تبدیل نماییم. ما به نیروی محرکه، ایده‌های نو و انرژی شما نیاز داریم. وقت آن است که یک قایق واحد بسازیم و هماهنگ به پیش برویم.

نظر شما نسبت به برگزاری کنفرانس‌های دانشجویی مانند کنفرانس بین‌المللی دامستیک دانشگاه تهران چیست؟ این کنفرانس‌ها چه مقدار می‌تواند در دانشگاه و جامعه تأثیرگذار باشند؟

برگزاری کنفرانس‌های دانشجویی همچون کنفرانس بین‌المللی دامستیک دانشگاه تهران، از این جهت که یک همایش علمی به طور کامل توسط دانشجویان برنامه‌ریزی و مدیریت می‌شود، بسیار امیدبخش و ارزشمند است. بسیاری از ما اعضای هیئت علمی که امروز عهده‌دار برگزاری کنگره‌های علمی هستیم، چنین فرصت عملی را در دوران دانشجویی تجربه نکرده‌ایم و پس از ورود به عرصه آموزش، این مسیر را با آزمون و خطا آموخته‌ایم. با این نگاه، به واقع می‌توان گفت دانشجویانی که امروز دست به برگزاری همایش‌هایی در سطح دامستیک می‌زنند، چندین گام از بسیاری از ما پیش‌تر هستند و من به‌شخصه امیدوارم آنان بتوانند آینده این رشته را بسیار درخشان‌تر از ما رقم بزنند.

انجمن علوم دامی ایران برای آینده بهتر این رشته چه برنامه‌هایی در دست اجرا دارد؟ و برنامه‌های آینده با توجه به نیاز روز چه مواردی خواهند بود؟

برای پاسخ‌دهی مناسب به این سوال احساس می‌کنم ابتدا نیاز است، بررسی شود که چه حیطه‌های فعالیتی برای انجمن‌های علمی تعریف شده است. از همه عزیزان دعوت می‌کنم به این بهانه، وارد پایگاه انجمن علوم دامی ایران (با جستجوی همین کلمه کلیدی در اینترنت) شوند. در قسمت درباره ما، اساسنامه انجمن مشاهده می‌شود و در ماده ۲ به این مهم اشاره شده است که انجمن، مؤسسه‌ای غیرانتفاعی است که در زمینه‌های علمی، پژوهشی و فنی فعالیت می‌کند. با این مقدمه، برنامه‌های ما در دو محور اقدامات جاری و چشم‌انداز آینده قابل دسته‌بندی است. امروزه صنعت دامپروری کشور با چالش‌های ساختاری عمیقی همچون وابستگی شدید به واردات در بخش دام سنگین و طیور، فقدان برنامه‌ای مدون برای دام سبک، اثرات تغییرات اقلیمی، و شکاف میان دانشگاه، پژوهش و اجرا روبرو است. در برابر این چالش‌ها، انجمن می‌کوشد با ابزارهای موجود از جمله برگزاری کارگاه‌های آموزشی و وبینارهای تخصصی، انعقاد تفاهم‌نامه با نهادهای داخلی و بین‌المللی، برگزاری کنگره‌های سالانه و کنشگری رسانه‌ای و حقوقی به عنوان یک پل ارتباطی و حلقه اتصال عمل کند. البته ما در انجمن بر این باور هستیم که کار در چهارچوب سنتی کافی نیست. اگرچه در این دوره موفق شدیم رتبه انجمن را از C به B ارتقا دهیم، اما انتظار جامعه علمی و صنعتی از ما فراتر رفته است. متخصصان امروز، انجمن را نه تنها به عنوان یک برگزارکننده همایش، بلکه به عنوان یک مرجع مشورتی و تصمیم‌ساز می‌طلبند.

بر این اساس، برنامه آینده انجمن بر سه تحول کلان متمرکز است: ۱- جهت‌دهی کارگاه‌های آموزشی، وبینارها و حتی همایش‌های علمی به سمت حل مسائل ملموس صنعت (مانند مدیریت آب، انرژی و کاهش هزینه‌ها) ۲- تأسیس کمیته‌های راهبردی برای تهیه تحلیل‌های عملیاتی و پیشنهاد سیاستی به نهادهای بالادستی ۳- جریان‌سازی و بسیج خرد جمعی برای جایگزینی تصمیم‌های مقطعی با برنامه‌های بلندمدت. در یک کلام، آرمان ما این است که ردپای انجمن و صدای متخصصان و تولیدکنندگان در تمامی تصمیمات کلان صنعت دام و طیور کشور دیده و شنیده شود. این یک پوست‌اندازی است که برای تحقق آن، به مشارکت و همفکری تمامی فعالان این عرصه نیازمندیم.

پیام شما به اعضای انجمن‌های علمی - دانشجویی گروه‌های مهندسی علوم دامی دانشگاه‌های سراسر کشور چیست؟

اعضای عزیز انجمن‌های علمی-دانشجویی گروه‌های مهندسی علوم دامی کشور، تلاش‌های همه شما در این شرایط بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است. برای ارتقا سطح انجمن‌های علمی پیشنهاد می‌کنم در کنار هم:

۱- پا را از کلاس درس فراتر بگذاریم. انجمن‌های علمی را از قالب سنتی خارج کنیم و به آن‌ها جان ببخشیم. آن‌ها را به بستری برای حل مسأله تبدیل کنیم. کارگاهی برای پرداختن به چالش‌های واقعی صنعت دام و طیور کشور، از بهینه‌سازی مصرف آب تا مدیریت بیماری‌ها و توسعه کشاورزی پایدار برگزار کنیم و مجلات علمی دانشجویی را به مکانی برای تجزیه و تحلیل مشکلات روز کشور تبدیل کنیم.

۲- دانش را به عمل گره بزنیم. دیگر دوران انباشت صرف اطلاعات به سر آمده است. هوش مصنوعی می‌تواند داده‌ها را در اختیارمان قرار دهد، اما تنها ما می‌توانیم برای مزروع، دامداری و اقتصاد ملی راه‌حل ارائه دهیم. از صنعت دعوت کنیم، مشکلات واقعی آن‌ها را بشنویم و با هم‌فکری، برایشان چاره‌جویی کنیم. این گونه، کنفرانس‌ها نه یک گردهمایی معمولی، بلکه یک کانون نوآوری و شکوفایی خواهند شد.

علاوه بر این، با توجه به نیازهای روز کشور و تجربه تعامل با بخش‌های مختلف، به‌نظر می‌رسد در آینده لازم است کنفرانس‌های علمی در کشور از شکل کنونی خود (که عمدتاً به ارائه مقالات و فقدان زمان کافی برای تجزیه و تحلیل نتایج محدود شده‌اند) فراتر روند. کشور ما در حال گذار از اقتصاد نفتی است و دانشگاه‌ها نیز در آینده ناگزیر از عبور از بودجه‌های ثابت دولتی خواهند بود. همچنین، با ظهور فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، دیگر تشکیل کلاس‌های آموزشی به شیوه سنتی نمی‌تواند برای دانشجویان انگیزه‌بخش باشد. از این رو، همایش‌های علمی نیز باید از حالت ارائه صرف و برنامه‌های فشرده، به سمت نشست‌های تخصصی با تمرکز بر یک چالش مشخص حرکت کنند تا امکان تجزیه و تحلیل عمیق و ارائه راهکارهای کاربردی فراهم آید. لذا در پاسخ به بخش دوم پرسش شما باید این نکته را اضافه کنم که اگرچه برگزاری این گونه کنفرانس‌های دانشجویی به خودی خود بسیار سودمند است و هر گام این دانشجویان عزیزان را باید ارج نهاد، پیشنهاد می‌کنم سایر کنفرانس‌های علمی- دانشجویی نیز در سال‌های آینده، نیم‌نگاهی به این سمت داشته باشند تا بتوانند هم در محیط دانشگاه (با ایجاد انگیزه در دانشجویان) و هم در سطح جامعه (با ارائه راهکارهای عملی) تأثیرگذارتر ظاهر شوند.



تصویر ۹- سخنرانی در میزگرد تخصصی اولین همایش بین‌المللی و دومین همایش ملی دامپستیک دانشگاه تهران، خرداد ماه ۱۴۰۴ (اساتید داخل عکس به ترتیب از راست به چپ: دکتر محمد مرادی شهربابک، دکتر حسن خمیس‌آبادی، دکتر امیرعلی صادقی، دکتر رسول واعظ ترشیزی، دکتر حسین مهربان، دکتر محمدحسین مرادی).

سخن پایانی نویسنده

«هیچ دیواری به بلندی همدلی و هیچ سلاحی به قدر تمندی فناوری نیست»، عنوانی است که می‌توان با توجه به محتوای گفت‌وگوی انجام شده با دکتر محمدحسین مرادی برای این مصاحبه برگزید. ایشان با نگاهی عمیق و آینده‌نگر، مسیر زندگی علمی خود را روایت می‌کنند؛ مسیری که از تجربه‌های شیرین در روستا آغاز شده و به فعالیت‌های پژوهشی پیشرو در حوزه علم ژنتیک و اصلاح‌نژاد در سطح ملی و بین‌المللی رسیده است. دکتر مرادی با تأکید بر پیوند ناگسستنی علم و مزرعه، بر این باور هستند که آموزش دانشگاهی زمانی اثربخش خواهد بود که با مهارت‌آموزی عملی و شناخت مسائل واقعی صنعت همراه شود. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود دانشجویان و علاقه‌مندان رشته مهندسی علوم دامی، به ویژه گرایش ژنتیک و اصلاح‌نژاد، از نکات مطرح شده در این مصاحبه به عنوان نقشه راهی برای آینده تحصیلی و حرفه‌ای خود بهره‌مند شوند. ایشان در بخشی از صحبت‌های خود تصریح می‌کنند: «علم امروز دیگر در حد حدس و گمان نیست؛ داده‌ها، فناوری و ژنتیک به ما این امکان را می‌دهند که آینده تولید را با صحت بالا طراحی کنیم.» از نگاه دکتر مرادی، آینده صنعت علوم دامی بدون بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، داده‌محوری و برنامه‌های اصلاح‌نژادی هدفمند قابل تصور نیست و دانشجویان امروز، معماران اصلی این تحول خواهند بود. از بخش‌های تأمل‌برانگیز این گفت‌وگو، اشاره ایشان به نقش شکست‌ها و چالش‌ها در مسیر رشد علمی است؛ جایی که زندگی حرفه‌ای را نه مجموعه‌ای از پیروزی‌ها، بلکه کلاسی مداوم برای یادگیری، صبر و بازاندیشی می‌دانند. به باور ایشان، ارزش واقعی یک استاد و پژوهشگر، نه صرفاً در تعداد مقالات، بلکه در تأثیری است که بر زندگی دانشجویان، جامعه و امنیت غذایی کشور بر جای می‌گذارد. در نهایت، دکتر مرادی رمز موفقیت را در ترکیب علاقه، پشتکار، همدلی و بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری می‌داند و تأکید می‌کند که پیشرفت پایدار تنها زمانی محقق خواهد شد که دانشگاه، صنعت و جامعه در کنار یکدیگر و با زبانی مشترک حرکت کنند؛ مسیری که می‌تواند آینده‌ای روشن‌تر برای کشور رقم بزند.

با آرزوی ایرانی سربلند!

Publisher Note

Animal Science Students Scientific Association, Campus of Agriculture and Natural Resources at the University of Tehran

Submit Your Manuscript:

https://domesticj.ut.ac.ir/contacts?_action=loginForm

۳- کار تیمی را از هم اکنون تمرین کنید. تجربه انجام یک کار گروهی و مدیریت انجمن‌های علمی، ارزشمندتر از بسیاری از واحدهای درسی شما است. اینجا است که کار تیمی، مدیریت مالی، خلاقیت و تعامل با جامعه را می‌آموزید. شما در حال ساختن رزومه‌ای برای نجات یک صنعت هستید، نه تنها برای یافتن یک شغل.

۴- هر جا که به باری ما در انجمن علمی علوم دامی ایران نیاز داشتید، دریغ نخواهیم کرد. ما به داشتن قدرت پرش-گری، انرژی جوانی و استعدادها و توانایی‌های تک‌تک شما عزیزان عمیقاً نیاز داریم.

و به عنوان سخن آخر...

سخن آخر خود را با ذکر یک خاطره از دوره دانشجویی به پایان می‌رسانم. به خاطر می‌آورم یکی از روزهای دوران کارشناسی ارشد برای این که از خمین به سمت سنندج حرکت کنم، در مسیر سوار یک تاکسی شدم که یک کتاب در آن از یکی از مسافران قبلی جا مانده بود. از سر بیکاری شروع به ورق زدن آن کردم. به صفحه‌ای رسیدم که وصیت‌نامه‌ای الهام‌بخش از یکی از دانشمندان مشهور خارجی در حوزه بیولوژی را نقل کرده بود. نویسنده در آن، با جزئیاتی، از شکست‌های پیاپی خود می‌گفت: روزی به خاطر مواد آزمایشگاهی نامرغوب آزمایش به نتیجه نرسید، روزی دیگر آزمایشگاهش در آتش سوخت، و بارها ناکامی‌های دیگر... اما آنچه چشمانم را خیره کرد و برای همیشه در ذهنم حک شد، جمله پایانی آن وصیت‌نامه بود: خدایا، من تمام این کوشش‌ها را کردم تا اگر روزی در پیشگاهت ایستادم، بتوانم با تمام وجود فریاد بزنم: "من تمام تلاشم را انجام دادم". این جمله، از آن روز تاکنون، چراغ راه و پیمان درونی من بوده است. تنها موفقیت بیرونی ملاک نیست، بلکه شرافتمندانه زیستن و تا آخرین نفس کوشیدن است که معنا می‌آفریند. امیدوارم که ما نیز، در هر جایگاهی که هستیم، با همین روحیه گام برداریم و روزی بتوانیم با سربلندی بگوییم: من تمام تلاشم را برای ارتقای دانش، خدمت به هم‌عوانم و آبادانی این سرزمین انجام دادم. از شما و همه خوانندگان عزیز نشریه دامستیک بابت این فرصت گفتگو صمیمانه سپاسگزارم.